

بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١١٠٢٤٨



دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

۸۷/۱۰/۵۵۱
۸۸/۱۳

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی

بررسی تطبیقی گناهان در دین اسلام و آئین زرتشت

استاد راهنما:

دکتر محمود طاووسی

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا صرفی

مؤلف:

رقیه اسحاقی

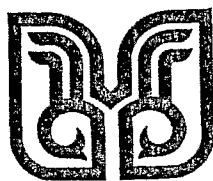
خرداد ماه ۱۳۸۲

ب

۱۱۰۲۶۸

کتابخانه ادبیات باستان
تاسیس ۱۳۵۷

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۸



دانشگاه شهید باهنر کرمان

پایان نامه

به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد به

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

دانشجو:

رقیه اسحاقی

استاد راهنما:

دکتر محمود طاووسی

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا صرفی

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۸

دوره ۱:

دکتر محمود مدبری

دوره ۲:

دکتر محمدصادق بصیری

دوره ۳:

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر احمد جمالیزاده



حق چاپ محفوظ و مخصوص دانشگاه است

(ج)

برای مادرم که مهرش در دلم گرامی و مقدس است، او که سرچشمه کنجکاوی
سالهای کودکی ام بود.

به پدرم که مهرش بنایی شد برای تلاش پر شورم در کسب دانش، او که سالهای
رشد مرا سرشار از حکمت کرد.

و برای همسرم که مهرش تکیه گاهی شد برای خستگی های پایان راهم.

نخستین سپاس به پیشگاه حضرت دوست که هر چه هست از اوست.
سپاس از اندیشمند آگاه آقای دکتر محمود طاووسی
سپاس از استاد عالیقدر آقای دکتر محمد رضا صرفی
سپاس از مسئولین محترم گروه فرهنگ و زبانهای باستانی
سپاس از پدر و مادر عزیزم و همسر مهربانم
سپاس از خواهر و برادرانم برای یاریهای بی دریغشان

چکیده

پایانامه حاضر تحت عنوان "بررسی تطبیقی گناهان در دین اسلام و آیین زرتشت" در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول به بررسی مفهوم گناه در دین اسلام و زرتشت پرداخته و انواع تقسیم بندی گناهان را در هر دو دین ذکر کرده است

فصل دوم انواع گناهان دین زرتشتی بر اساس اصل اعتقادی این دین یعنی تأثیر «اندیشه ، گفتار ، کردار» در سرنوشت انسانها و با استفاده از کتب دینی پهلوی پیش و پس از اسلام دسته بندی شده اند در فصل سوم گناهان دین اسلام با استفاده از قرآن ، به دو دسته کبیره و صغیره تقسیم شده اند. فصل چهارم این پایانامه به بررسی تطبیقی گناهان استخراج شده از دو دین که در فصول دو و سه آورده شدند، همچنین تفکیک اشتراکات و تفاوت‌های آنها پرداخته است.

در فصل پنجم نتیجه پژوهش حاضر به این شرح آمده است که اشتراکات این دو دین سی و یک عنوان و تفاوت‌های آنها چهار عنوان می باشند . بنابراین از آنجا که منشاء و هدف همه ادیان یکی است و راه و سخنان نیز یکسان است. در این فصل همچنین این نتیجه بدست آمد که گناهان زنان و مردان در هر دو دین قابل تفکیک اند. مسئله دیگری که هر دو دین بر آن توافق دارند این است که دوزخ و آتش آن وسیله ای برای تصفیه افراد از گناهان است و امید به رحمت و بخشش خداوند در هر حالی وجود دارد.

در نهایت آنچه که بین دو دین متفاوت است مربوط به اصول آنها نیست بلکه با شرایط اجتماعی خاص آنها در ارتباط است و قطعاً نمی توان گفت سخن وحی است.

در پایان واژه نامه ای از لغات رایج در متون زرتشتی همراه با شماره صفحات تهیه شده است.

فهرست عناوین

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۷	پیشگفتار
۸	مقدمه
۸	۱- شرح مسئله
۹	۲- اهمیت موضوع
۱۰	۳- پیشینه تحقیق
۱۶	۴- پرسشهای اصلی تحقیق
۱۷	۵- فرضیه ها
۱۷	۶- روش تحقیق
۱۹	۷- هدفهای تحقیق
۲۱	فصل اول: مفهوم گناه در دین اسلام و آیین زرتشت
۳۳	فصل دوم: گناهان در دین زرتشت
۳۴	۲-۱-۱ بدی در اندیشه
۳۴	۲-۱-۱-۱ انکار ایزدان و دین و رستاخیز
۳۵	۲-۱-۲ بخل ورزی
۳۵	۲-۱-۳ حسد
۳۶	۲-۱-۴ خست
۳۶	۲-۱-۵ دیویزگی
۳۷	۲-۱-۶ کوچک شمردن گناه
۳۷	۲-۱-۷ ناامیدی از رحمت خدا
۳۸	۲-۱-۸ یزش نکردن
۳۸	۲-۲ بدی در گفتار
۳۸	۲-۲-۱ اشموغی (بدعت در دین)

۳۹	۲-۲-۲ بد زبانی و نافرمانی
۴۱	۳-۲-۲ داوری دروغ
۴۳	۴-۲-۲ درایان جوشنی یا درایان خورشنی
۴۷	۵-۲-۲ دروغگویی
۴۸	۶-۲-۲ غیبت
۴۹	۷-۲-۲ گواهی دروغ
۴۹	۸-۲-۲ مهر دروج (پیمان شکنی)
۵۲	۹-۲-۲ همیملان
	۳-۲ بدی در کردار
۵۶	۱-۳-۲ آب ریختن در شب
۵۷	۲-۳-۲ آب و آتش به نسا بردن
۵۸	۳-۳-۲ آرایش بی مورد کردن
۵۹	۴-۳-۲ آزار پدر و مادر
۶۱	۵-۳-۲ آزار ستوران و حیوانات و کشتن آنها
۶۶	۶-۳-۲ آزار مردمان
۶۶	۷-۳-۲ ارتداد
۶۷	۸-۳-۲ ازدواج نکردن
۶۹	۹-۳-۲ اسراف
۶۹	۱۰-۳-۲ ایستاده آب تاختن
۷۱	۱۱-۳-۲ به دروغ زنهار دادن
۷۲	۱۲-۳-۲ بدون کستی راه رفتن (وشاد دوارشنی)
۷۴	۱۳-۳-۲ پرهیز نکردن (حرمت نگه داشتن) آب
۷۵	۱۴-۳-۲ پرهیز نکردن (حرمت نگه داشتن) آتش
۸۱	۱۵-۳-۲ پرهیز نکردن دشتان
۸۶	۱۶-۳-۲ پرهیز نکردن نسا
۹۰	۱۷-۳-۲ تجاوز به ملک دیگران
۹۱	۱۸-۳-۲ جادوگری
۹۲	۱۹-۳-۲ جهاد نکردن

۹۲	۲۰-۳-۲ خوردن نسا
۹۴	۲۱-۳-۲ خویدوده شکنی
۹۶	۲۲-۳-۲ دزدی
۹۸	۲۳-۳-۲ دست در آب روان شستن
۹۸	۲۴-۳-۲ دشتان مرزی
۱۰۰	۲۵-۳-۲ دین به دستور داشتن
۱۰۳	۲۶-۳-۲ رباخواری (وام دادن با ربا)
۱۰۴	۲۷-۳-۲ رشوه
۱۰۵	۲۸-۳-۲ روسپی گری
۱۰۸	۲۹-۳-۲ روزه گرفتن (و زندگی را بر خود سخت داشتن)
۱۰۹	۳۰-۳-۲ رها کردن کودک و شیر ندادن به او
۱۱۰	۳۱-۳-۲ زنا (پارون مرزشنی)
۱۱۱	۳۲-۳-۲ زن کسان به زور گرفتن
۱۱۲	۳۳-۳-۲ ستور (قیومیت) شکستن
۱۱۴	۳۴-۳-۲ سستی در انجام فرایض
۱۱۴	۳۵-۳-۲ سقط جنین
۱۱۷	۳۶-۳-۲ شیون و مویه بر مردگان
۱۱۸	۳۷-۳-۲ عدم رعایت حق دیگران
۱۱۸	۳۸-۳-۲ فرمانروایی بد و آزار مردمان
۱۱۹	۳۹-۳-۲ قتل نفس
۱۲۰	۴۰-۳-۲ کشتن سگ آبی
۱۲۰	۴۱-۳-۲ کم فروشی (سنگ و ققیز راست نداشتن)
۱۲۱	۴۲-۳-۲ گران فروشی
۱۲۲	۴۳-۳-۲ لواط (کون مرز گناه)
۱۲۵	۴۴-۳-۲ مساحی به دروغ
۱۲۵	۴۵-۳-۲ نافرمانی فرمانروایان
۱۲۶	۴۶-۳-۲ نسا و هیخر به آب و آتش بردن
۱۳۰	۴۷-۳-۲ نسا نکان کردن (دفن مرده)
۱۳۱	۴۸-۳-۲ یک موزه یا بی موزه راه رفتن

فصل سوم: گناهان در دین اسلام

۱۳۵	
۱۳۸	۱-۳ گناهان کبیره
۱۳۸	۱-۱-۳ بدعت در دین
۱۳۹	۲-۱-۳ پیمان شکنی
۱۴۰	۳-۱-۳ ترک واجبات
۱۴۱	۴-۱-۳ تکذیب آیات الهی
۱۴۲	۵-۱-۳ تهمت و بهتان (افترا)
۱۴۳	۶-۱-۳ جهاد گریزی
۱۴۴	۷-۱-۳ خیانت
۱۴۵	۸-۱-۳ رباخواری
۱۴۶	۹-۱-۳ زنا
۱۴۷	۱۰-۱-۳ سحر
۱۴۸	۱۱-۱-۳ سوگند دروغ
۱۴۹	۱۲-۱-۳ شرابخواری
۱۵۰	۱۳-۱-۳ شرک
۱۵۳	۱۴-۱-۳ ظلم و زورگویی
۱۵۵	۱۵-۱-۳ عاق والدین
۱۵۶	۱۶-۱-۳ افحشاء
۱۵۶	۱۷-۱-۳ قتل نفس
۱۵۷	۱۸-۱-۳ قطع رحم
۱۵۸	۱۹-۱-۳ کتمان حقایق
۱۵۹	۲۰-۱-۳ کفر و ارتداد
۱۶۰	۲۱-۱-۳ کفران نعمت
۱۶۱	۲۲-۱-۳ کم فروشی
۱۶۲	۲۳-۱-۳ گواهی دروغ
۱۶۳	۲۴-۱-۳ لواط

۱۶۴	۳-۱-۲۵ نا امیدي از رحمت خدا
۱۶۴	۳-۲-۲ گناهان صغیره
۱۶۴	۳-۲-۱ ازدواج با مشرکان
۱۶۵	۳-۲-۲ اسراف
۱۶۶	۳-۲-۳ بخل
۱۶۷	۳-۲-۴ بدزبانی و فحاشی
۱۶۷	۳-۲-۵ حسد
۱۶۸	۳-۲-۶ خست
۱۶۹	۳-۲-۷ خوردن گوشت و خون مردار
۱۷۰	۳-۲-۸ خوردن مال یتیم
۱۷۰	۳-۲-۹ دروغ
۱۷۱	۳-۲-۱۰ دزدی
۱۷۲	۳-۲-۱۱ رشوه
۱۷۲	۳-۲-۱۲ سقط جنین
۱۷۳	۳-۲-۱۳ سوء ظن
۱۷۳	۳-۲-۱۴ عیبجویی
۱۷۴	۳-۲-۱۵ غیبت
۱۷۴	۳-۲-۱۶ کبر
۱۷۵	۳-۲-۱۷ کوچک شمردن گناه
۱۷۵	۳-۲-۱۸ مسخره و استهزاء
۱۷۶	۳-۲-۱۹ همخوابگی با زن حائض

۱۷۹	فصل چهارم: بررسی تطبیقی گناهان در دین اسلام و آیین زرتشت
۱۷۹	۴-۱ گناهان مشابه در آیین زرتشت و دین اسلام
۱۷۹	۴-۱-۱ آزار پدر و مادر (عاق والدین)
۱۷۹	۴-۱-۲ ارتداد
۱۷۹	۴-۱-۳ اسراف

۱۸۰	۴-۱-۴ اشموغي (بدعت در دين)
۱۸۰	۴-۱-۵ انكار ايزدان و دين و رستاخيز (تكذيب آيات الهی)
۱۸۰	۴-۱-۶ بخل
۱۸۰	۴-۱-۷ بدزبانی و فحاشی
۱۸۱	۴-۱-۸ پيمان شکنی
۱۸۱	۴-۱-۹ جادوگری (سحر)
۱۸۱	۴-۱-۱۰ جهاد نکردن
۱۸۱	۴-۱-۱۱ حسد
۱۸۲	۴-۱-۱۲ خست
۱۸۲	۴-۱-۱۳ خوردن نسا (گوشت و خون مردار)
۱۸۲	۴-۱-۱۴ دروغگویی
۱۸۲	۴-۱-۱۵ دزدی
۱۸۳	۴-۱-۱۶ دشتان مرزی (همخوابگی با زن حائض)
۱۸۳	۴-۱-۱۷ ربا خواری
۱۸۳	۴-۱-۱۸ رشوه
۱۸۳	۴-۱-۱۹ روسپی گری
۱۸۳	۴-۱-۲۰ زنا
۱۸۴	۴-۱-۲۱ سقط جنین
۱۸۴	۴-۱-۲۲ غیبت
۱۸۴	۴-۱-۲۳ قتل نفس
۱۸۴	۴-۱-۲۴ کم فروشی
۱۸۴	۴-۱-۲۵ کوچک شمردن گناه
۱۸۵	۴-۱-۲۶ گواهی دروغ
۱۸۵	۴-۱-۲۷ لواط
۱۸۵	۴-۱-۲۸ نا امیدی از رحمت خداوند
۱۸۵	۴-۱-۲۹ همیملان (تهمت و بهتان)
۱۸۶	۴-۱-۳۰ یزش نکردن (کفران نعمت)

۱۸۶	۲-۴ گناهان متفاوت در دین اسلام و آیین زرتشت
۱۸۶	۱-۲-۴ خویلدوده شکنی
۱۸۶	۲-۲-۴ دست در آب روان شستن
۱۸۶	۳-۲-۴ دفن مرده
۱۸۷	۴-۲-۴ روزه گرفتن
۱۸۹	فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۹۶	واژه نامه
۲۰۹	منابع و مأخذ
	چکیده انگلیسی

پیشگفتار

پیشگفتار

دین رسمی مردم ایران در دوران پیش از اسلام مزدیسنا بوده است. مزدیسنا صفت و به معنای پرستنده مزدا است. مزدا همان خدای یگانه است. پیامبر ایرانی زرتشت پیرامون (۸۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد) این آیین را پایه گذاری کرد، لذا دین ملی ایرانیان پیش از اسلام از نام وی زرتشتی نام گرفت.

فلسفه دین زرتشت مبارزه با شر و بدی است وی با روش ستیزه جویانه خود نسبت به بدیها و ناراستیها نشان داده که هیچ گونه سازشی با اهریمن ندارد. (رضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲)

ایرانیان در زمان زرتشت، اکثراً به مذهب هندو ایرانی و یا شرک و دیو پرستی معتقد بودند و هر یک از موجودات را مخلوق خدایی مستقل می دانستند. در چنین زمانی که هیچکس اعتقاد به یک خدای بی جا و مکان و فارغ از زمان، غیر وابسته به قوم و ملت و گروه خاص را تصور و درک نمی کرد، زرتشت پیام یکتا پرستی خود را اعلام کرد. این طرح در تاریخ ادیان جهان بزرگترین تحولی است که بوجود آمد.

اگر زرتشت این نظر خود را در زمان تشکیل سلطنت هخامنشیان اعلام می کرد، چندان عجیب به نظر نمی آمد زیرا در آن جامعه اقوام ملل مختلف در یک امپراطوری وسیع تحت یک فرماندهی بودند و از نظر فکری آمادگی پذیرش چنین نوآوری را داشتند.

(آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶)

زرتشت برای اولین بار دین یکتا پرستی را به گروههای مختلف مردم تعلیم داد، ولی درک و پذیرش این مطلب برای آنان آسان نبود، بنابراین به مخالفت شدید با آن برخاستند. عده ای هم

که دست از شرک و دیو پرستی برداشته بودند و تا حدی به یکتا پرستی نزدیک شده بودند، بعدها دوباره به دو یا سه خدایی (ثنویت یا تثلیث) گرویده بودند.

این اعتقاد به ثنویت بعدها به پیروان دین زرتشت نسبت داده شد تا جائیکه امروزه نیز برخی در این اشتباه بسر می‌برند. مارتین هاوگ از اولین کسانی است که متوجه این واقعیت شد و به صراحت اعلام کرد: "در گاتها هرگز اهریمن در مقابل اهورا مزدا نبوده است. وجود یک روح شریر همسنگ اهورا مزدا و در مقابل او با آئین زرتشت کاملاً مخالف است."

سپنته مینو و انگره مینو مخلوق مزدا می‌باشند نه مستقل از او. آنها خود مخلوق اند و هرگز خلق نمی‌کنند.

بارتولومه معتقد است که اصطلاح خدا و شیطان در مقابل هم ساخته اوستای منحرف است، زیرا زرتشت برای آنکه خدایان قدیم ایرانیان را از خاطرشان خارج ساخته و آنها را به یک خدای واحد متوجه سازد، خدایان قدیم یا دئوها را به خدایان دروغ یا بت، تنزل داد و اهورا مزدا را در مقابل خدایان کاذب یا بتها قرار داد. اما بعدها که مذهب از مسیر اصلی به کلی منحرف شد، این تقابل به صورت خشن در آمد و خدا و شیطان در مقابل هم قرار گرفتند. (آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۴)

شرارت و زشتی که این همه مورد هراس است چون محرکی در حیات تأثیر می‌گذارد. با در نظر گرفتن اراده آزاد انسان در مکتب زرتشت، هیچکس نمی‌تواند از مسئولیت خود شانه خالی کند.

انسانها در نظر زرتشت آزاد آفریده شده‌اند و با اختیار باید راه خویش را انتخاب کنند. سرنوشت انسان به دست خود اوست و افکار و اندیشه و عملش بهشت و جهنم او را می‌سازند.

سرای زشتکاران تیرگی و عذاب است و پاداش نیکوکاران جایگاه فروغ و روشنایی، که همان بهشت است. بنابراین نتیجه عمل خود انسان است و خداوند به کسی رستگاری یا عذاب نخواهد بخشید. نخستین کسی که مذهب را از صورت سحر و جادو و اجرای مراسم خرافی و اعتقاد به موهومات رهایی بخشید و آن را بر پایه اخلاقیات استوار کرد زرتشت بود. او هدف اخلاقی را عالیتین و مهمترین هدف زندگی قرار داده و می گوید که تنها اعمال و گفتار و اندیشه های نیک است که می تواند جوابگوی نیازهای اخلاقی باشد و زندگی را متعالی سازد.

زهر می گوید: " زرتشت یک پیامبر بود و او همان قدر شایسته این نام است که محمد (ص) یا موسی، ولی اخلاف او نه هرگز پیام او را به درستی درک کردند و نه خود دارای باورهای موثق و معتبری بودند که آنها را به درستی هدایت کنند. در زمان هخامنشیان و پس از آن به نظر می رسد در یک تساهل و بی تفاوتی در ستایش خدایان دیگر افراط کردند، در حالی که در عصر ساسانیان به سوی تفریط کشیده شدند و سعی کردند خشک دینی تشریحی و تعصب شدید را به جامعه تحمیل کنند که کمتر کسی قادر به تحمل آن بود. علاوه بر این دین را با یک دوآلیسم متحجر، که به قدرت مطلق خداوند خدشه وارد می ساخت، همراه نمودند و آن را به کلی از توحید خارج کردند". (آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹)

پس از فتح اسکندر و از هم گسیختگی امپراطوری ایران در مذهب جامعه نیز پراکندگی حاصل شد به طوریکه در آغاز سلطنت ساسانیان در حدود هفتاد فرقه به نام زرتشتی در سراسر ایران وجود داشته است. مغان که در اصل زروانی بوده اند معتقدات خود را با دین زرتشت آمیخته اند. (همان

منبع، ص ۶-۱۴۵)

هرتل نیز به انحراف دین زرتشت در جهات مختلف اشاره کرده و در ضمن توجیه مشروح محتوای عالی گاتاها که مخالف معتقدات زرتشتیان متأخر است می نویسد ، مغها ابتدا کاهنین دین ایرانیان قدیم بوده اند ولی به واسطه نفوذ دین زرتشت و حمایت آن از طرف هخامنشیان خود را به آن وابسته نشان داده به ظاهر آن را رواج دادند ولی در حقیقت دین خود را منتشر ساختند . به همین دلیل است که در اوستای متأخر این همه عوامل و مطالب غیر زرتشتی وارد شده است . او اشاره می کند که در گاتاها هیچ گونه اثری از ستایش خدایان قوای طبیعی مانند باد ، و آب ، زمین ، و خورشید ، ماه و ... وجود ندارد و هر جا از آنها صحبت شده به صورت یک پدیده طبیعی برداشت می شود و نه چیز دیگر . از تقدیس سگ که از بقایای معتقدات دوران چادرنشینی است ، همچنین از انهدام جنون آمیزی که در اوستای جدید به عنوان مبارزه با مخلوقات روح خبیث توصیه شده است و از طعمه پرندگان قرار دادن اجساد مردگان اثری دیده نمی شود . او می نویسد : " از لابلای گاتاها یک مرد هوشمند ، فعال ، مجذوب خیر و نیکی و رحیم با ما سخن می گوید که به جانبداری حق و اخلاق قیام می کند . زراعت و گلّه داری را به عنوان پایه رفاه توصیه می کند . کسی که بر فراز تفکر توده ها جای داشته و از خرافات بری است . او در نیروهای طبیعت هیچ قدرت و شخصیت الهی نمی بیند و از آداب دیوان به مناسبت ارتباط با مستی و خونریزی نفرت دارد و با آن به سختی مبارزه می کند ... " (همان منبع ، ص ۳۳۷)

وی به موارد مختلف مانند قربانی ، مستی ، رفتار با جسد مردگان ، پرستش عناصر طبیعت ،

دستورات مذهبی و نذیرداد و اوستای متأخر اشاره نموده و بلاخره نتیجه می گیرد که اینها متعلق به

مغان است نه پیام زرتشت . (همان منبع ، ص ۳۳۸)

مطالعات نشان می دهد: مغان که وظیفه کاهن را در جامعه مادها به عهد داشته اند، پس از زرتشت برای حفظ موقعیت خویش معتقدات خود را با گفته های زرتشت تلفیق نمودند و بعدها دینی را پایه گذاری کردند که نه تنها با اصول دین زرتشت نزدیکی نداشت بلکه از دین قدیم ایرانیان هم که بر پایه آن بنا شده بود نیز منحرف گردید.

نفوذ مغان در دین زرتشت به مرور زمان تعلیمات پاکیزه این دین را آلوده به خرافات و آداب و رسوم بی معنی نموده است و این امر به خصوص در دوران ساسانیان شدت یافته است.

بویس معتقد است که پیروان زرتشت حتی امروز به دین منحرف پایبند بوده و آنچه به نام زرتشت عمل می شود به هیچ وجه با تعلیمات زرتشت مطابقت نمی کند. او می نویسد: پیامبر ایران باستان حامل یک دین توحیدی، عقلانی و اخلاقی بود و به حدی از شعائر و برداشت پیروان خویش دور است که هر چند آنها سعی کردند به تعلیمات او عمل کنند ولی مدت زمان درازی نتوانستند با سادگی به سر برند و به زودی از مسیر منحرف شده و به راه و روش و عقاید قدیم خود قبل از زرتشت عودت کردند. (آشتیانی، ۱۳۷۴، ص ۳۴۲)

مقدمه